



تربیت در محیط آموزشی

درس‌هایی از مرحوم آیت‌الله مجتبی تهرانی «ره» درباره تربیت

مریم مختارپور

دهند و آن‌ها را از خواب غفلت بیدار کنند. وقتی که بشر از خواب غفلت بیدار شد و متوجه انسانیت و جنبه الهی خود شد، مأموریت دوم مطرح می‌شود.

دوم: «و یزکیکم»: یعنی انبیا بحث تزکیه را مطرح می‌کنند. حالا که انسان چشم باز کرد و از خواب غفلت بیدار شد، مسئله تربیت و تطهیر نفس مطرح می‌شود. این موضوع به دلیل اهمیت مسئله تربیت نفوس مطرح می‌شود.

سوم: «و یعلمکم الكتاب و الحکمه»: یعنی انبیا هم مأمور به تعلیم انسان‌ها هستند و هم مأمور به تربیت آن‌ها.

تعلیم و تزکیه در روایت

در روایتی از امام علی (ع) آمده است که حضرت خطاب به شخصی فرمود: «یا مومن ان هذا العلم و الادب ثمن نفسک»: ای مؤمن به خدا! آنچه به تو ارزش می‌دهد علم و ادب توست. آنچه که به تو ارزش می‌دهد، تنها «علم» نیست، بلکه در کنارش باید ادب و

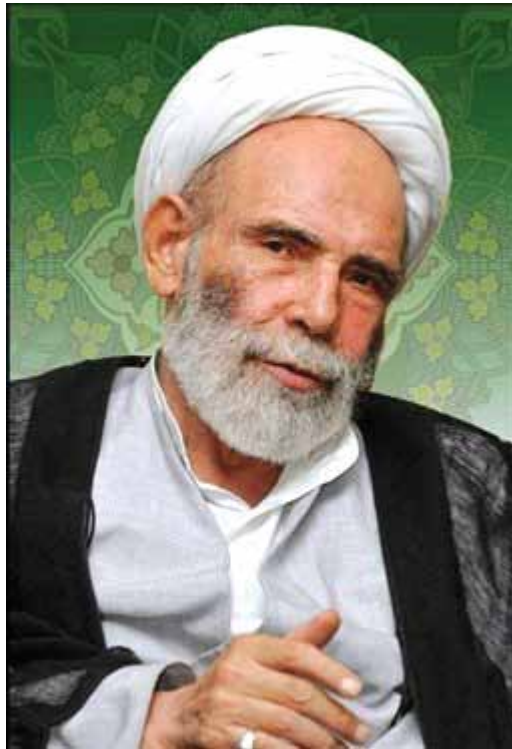
تربیت هم باشد. «فاجتهد فی تعلمهما»: پس در هر دو مورد کوشش کن! یعنی این دو (علم و ادب) را نباید از یکدیگر جدا کنی. «فما یزید من علمک و ادبک یزید فی ثمنک و قدرک» (جامع‌الخبار، ص ۳۱۰، ح ۸۵۲). حضرت در اینجا بین «میزان علم و ادب شخص» از یک طرف و «قدر و ارزش او» از طرف دیگر موازنه برقرار کرده‌اند.

محیط آموزشی
قوی‌ترین اثر تربیتی
را دارد. حتی از محیط
خانوادگی هم اثرش
بیشتر است

وقتی انسان در محیط آموزشی قرار می‌گیرد، چه بخواهد و چه نخواهد، روحش در ابعاد گوناگون در این محیط شکل می‌گیرد. اگر دقت کنیم، می‌بینیم معلم در کنار بحث آموزش، به انسان مقابل خود طرز رفتار و گفتار را هم آموزش می‌دهد. لذا در معارف اسلامی دو مقوله «تعلیم» و «تربیت» در کنار هم مطرح می‌شوند. به عبارت دیگر هرگاه مسئله تعلیم و تعلم را مطرح می‌کنند، در کنارش مسئله تربیت را هم می‌آورند. در کلاس درس، چه برای یک نفر باشد چه برای هزار نفر، تعلیم در کنار تزکیه مطرح است. این یک مأموریت الهی است که در هر محیط درسی و تعلیمی، تزکیه، تربیت نفس و خودسازی هم وجود داشته باشد. پس به هیچ وجه جداسازی این دو موضوع صحیح نیست.

تعلیم و تزکیه در قرآن

در آیات متعددی در باب تعلیم و تزکیه مطرح شده است که تزکیه همان تربیت نفس است. آیه شریفه «کما ارسلنا فیکم رسولا منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یزکیکم و یعلمکم الكتاب و الحکمه و یعلمکم ما لم تکنونوا تعلمون» (بقره/۱۵۱)، سه مأموریت را برای انبیا مطرح می‌کند: **اول:** «یتلوا علیکم آیاتنا»: تلاوت آیات الهی. اولین هدف و وظیفه انبیا این است که به اینای بشر «بیدار باش»



می‌فرمایند: هر قدر به علم و ادب افزوده شود، به ارزش تو افزوده می‌شود. یعنی این دو مورد در کنار هم به انسان ارزش می‌دهند.

آیا می‌شود تعلیم را از تربیت جدا کرد؟ در حالت عادی و به روش معمولی، معلم به شاگرد رشته‌ای از علوم را می‌آموزد. آیا در اینجا می‌توان گفت که معلم فقط به او علم می‌آموزد و از نظر تربیتی، هیچ تأثیری روی او ندارد؟ خیر. حتی اگر به روش معمول هم درس ندهید و از وسایلی مانند پخش صوت، نوار صوتی، فیلم و... هم برای تدریس استفاده کنید، باز هم در آنجا تأثیرگذاری تربیتی وجود دارد و شاگرد از شما روش گفتار را یاد می‌گیرد. تعلیم و تربیت را به هیچ وجه نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد. در هیچ محیط آموزشی، نمی‌توانید محیط تربیتی را جدا کنید و بگویید تعلیم هست ولی تربیت نیست. تربیت در روابط گوناگون مطرح است. شاگرد ظاهر معلم را که می‌بیند، خواه‌ناخواه و خودبه‌خود، در ذهنش ثبت

می‌شود و تأثیر می‌پذیرد. معلم می‌گذرد و می‌رود، ولی اثرش را می‌گذارد و از بین نمی‌رود و به طور خواه‌ناخواه تأثیر می‌گذارد. تربیت از مباحثی نیست که در تأثیر آن روی مخاطب اختیار داشته باشی. معلم چه از نظر دیداری و چه از حیث گفتار و اعمال بر دانش‌آموز اثر می‌گذارد؛ یعنی آن فرد ناخودآگاه از او روش می‌گیرد؛ چه معلم بخواهد یا نخواهد و چه شاگرد بخواهد یا نخواهد.

کسانی که مسئول امور آموزشی هستند، اگر صحیح عمل کنند، «خدمت» بزرگی کرده‌اند و اگر اشتباه عمل کنند، آنگاه «جنایت» بزرگی مرتکب شده‌اند

سنین» (الکافی، ج ۶، ص ۴۸): فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند. بعد از هفت سال ادبش کن! اینجاست که تربیت می‌شود. یعنی ۱۴ سالگی‌اش که تمام شد، از ۱۵ سالگی تا ۲۱ سالگی او را از خود جدا نکن. هفت سال هم حواست جمع باشد و همراه خودت باشد. مراقبتش کن که از دستت نرود. ملازمش باش. یعنی از خاطر جمعی خبری نیست!

محیط آموزشی قوی‌ترین اثر تربیتی را دارد. حتی از محیط خانوادگی هم اثرش بیشتر است. در محیط خانوادگی، رابطه بین فرزند و پدر و مادر، رابطه‌ای محبتی است و جنبه‌های مادی و سرپرستی دارد. اما در محیط آموزشی، چیزی بیش از رابطه محبتی وجود دارد و آن رابطه «برتری علمی» است. وقتی که این احساس با چاشنی محبت مخلوط می‌شود، خیلی مؤثر می‌افتد. همین که دانش‌آموز می‌گوید: «معلم بهتر از من می‌فهمد»، کافی است که رفتارها، خلیات و اعتقادات را هم از او سرمشق بگیرد.

آری، کسانی که مسئول امور آموزشی هستند، اگر صحیح عمل کنند، «خدمت» بزرگی کرده‌اند و اگر اشتباه عمل کنند، آنگاه «جنایت» بزرگی مرتکب شده‌اند.

معلم، «الگوی ناخودآگاه» شاگرد

یکی از محیط‌هایی که روی انسان از نظر سازندگی و ساختار روحی اثر قوی دارد، محیط آموزشی است؛ آموزش چه از نظر اعتقادی و اخلاقی و چه از نظر جنبه‌های نفسانی بر انسان تأثیرگذار است. معلم با هیكل خود، با کلام خود و با تمام رفتارهای خود شاگرد را تربیت می‌کند. یکی از مصادیق رفتار، گفتار است. کار گوش شنوایی و کار چشم بینایی است. گفتار عملی زبان است. هر یک از اعضای بدن عملی متناسب با خود دارد که معلم با تمام آن‌ها الگوی شاگرد است و او را تربیت می‌کند.

امام صادق (ع) در باب تربیت فرزند می‌فرماید: «دع ابنک یلعب سبع سنین و یودب سبعا و الزمه نفسک سبع